

بدون نظارت استصوابی چه

می شود؟

محمد رضا شالگونی

این روزها آوازه گران تمامیت خواه رژیم سخت در تکاپو هستند که ضرورت و فواید نظارت استصوابی را به همگان حالی کنند، و حرف هایی می زنند که "الحق" بسیار روشن گردند. مثلاً ابوالقاسم خزعلی اخیراً در یک سخن رانی در مدرسه صدر اصفهان گفته است که بالاخره در انتخابات یک نفر باید حرف آخر را بزند، "آیا این مسؤلیت باید به کسانی داده شود که می گویند زن هم می تواند چهار شوهر داشته باشد... یا به شش نفر که سن هر کدام شان کمتر از ۶۰

سال نیست و تاریخ را می دانند و زندان و تبعید کشیده اند و اکنون هم زندگی ساده ای دارند؟" استدلال هایی چنین محکم، ناگزیر این سوال را پیش می آورند که نظارت استصوابی برای چیست؟ و اگر برداشته شود، چه می شود؟
قاعدتاً حتی خزعلی نیز که شاید زمخت ترین و نادان ترین عضو شورای نگهبان باشد می داند که نظارت استصوابی برای مقابله با مدافعان چپند شوهره بودن زنان نیست، زیرا

بقیه در صفحه ۲

قطعنامه نشست همگانی کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران در تبعید PEN. خطاب به هیأت دبیران موقت کانون نویسندگان ایران

راستای تحصیل آزادی اندیشه و بیان قلم است و دقیق ترین تجلی آن در اصول و مبانی تدوین شده در متن "۱۳۴" (مهر ۱۳۷۴) و پیش نویس منشور کانون نویسندگان ایران (۱۸ شهریور ۱۳۷۵)، منعکس شده است.
هم بدین خاطر، همراه با یاد بیدار سلطانپور، تنگستانی، سیرجانی، میرعلایی، غفارحسینی، تقضلی، شریف، مختاری، پوینده، حاجی زاده، حسین اقدامی و دیگر عزیزان مهرآمیزترین شادباش های ما تبار شما باد.

بقیه در صفحه ۲

دوستان گرامی

روزها، هفته ها، ماه ها و سال هایی سخت و دشواری را از سر گذراندید. ما هم چون بسیاری از هم میهنان به تلاش های شجاعانه و خردمندانه تان برای احیای کانون نویسندگان ایران به دیده احترام و تحسین می نگریم. تولد دوباره ی کانون نویسندگان، طلاهی شادی بزرگی بود که به دنبال تلاش های صادقانه شما در این سال ها به بر می نشست. تلاش هایی که برآیند حیات سی ساله ی کانون نویسندگان ایران در

معجزه دوپینگ، چالش اصلی و

دل نگرانی ها!

روزبه

گزین کاندیدهای مطلوب ولی فقیه، از دیوار و ممیزی مطبوعات برای حذف صداهای ناخوشایند، از ممیزی و کنترل ماهواره ها و ارتباطات در عصر ارتباطات، از کشیدن دیوار چین بدور ام القراء اسلامی برای حفاظت آن، از شر دشمنانی که گویا جمهوری اسلامی یکدم بدون مبارزه با آن ها قادر به ادامه حیات نیست. در این میان آماج مقدم، البته به چالش طلبیدن لایحه تقدیمی دولت در مورد اصلاح انتخابات نمایندگان، به مجلس شورای اسلامی بود. او که پی برده بود، مجلسی که استیضاح وزیر ارشاد توسط جناح طرفدارش با شکست مواجه ساخت، بعید است که این بار به تصویب لایحه اصلاحی دولت پیرامون نظارت استصوابی، رأی لازم را ندهد. رأیی که

بقیه در صفحه ۳

هراس از چیست؟

برهان

یورش همه جانبه و ضربات پیاپی ای که به دنبال موضع گیری فتواگونه و شدید اللحن خامنه ای، در هفته های اخیر متوجه مطبوعات غیر وابسته به جناح وی شده است، پیش از آن که از ترس چیزهائی باشد که فعلاً این مطبوعات می نویسند، از ترس آن است که به میل اینان نمی نویسند. به بیان دیگر، آنان از مطبوعات نمی ترسند، از نافرمانی مطبوعات می ترسند؛ درست به همان گونه که از انتخابات نمی ترسند، از انتخاباتی می ترسند که به پیش گزیدگان آنان رأی ندهد؛ یا از تجمعات نمی ترسند، از تجمعاتی می ترسند که به فرمان خودشان برپا نشده باشند.
طبعاً نبردهای موضعی ی جناح ها و آن چه مطبوعات جناح اصلاح طلب در ارتباط با موضوعات مورد اختلاف می نویسند، و صد البته تلاش برای

بقیه در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۱ بدون نظارت....

منتقدان "خودی" نظارت استصوابی همه از مدافعان "مذهب حقه" اثنی عشریه هستند که نه فقط چند شوهره بودن زنان را بر نمی تابند، بلکه حاضرند در فواید حق مردان بر چهار زن عقدی و چهل زن صیغه و حکمت استحباب به جای آوردن نماز صبح با غسل جنابت، ساعت ها داد سخن بدهند. نظارت استصوابی دقیقاً برای تحت کنترل درآوردن همین منتقدان "خودی" به وجود آمده است. در واقع این فیلتر "قانونی" هنگامی ابداع شد که مخالفان جمهوری اسلامی به عنوان "مفسد" و "محارب" و "مرتد" و "مهدورالدم" دسته دسته قتل عام شده بودند و دیگر جز "خودی ها" کسی حق فعالیت سیاسی نداشت. اما برنده گان اصلی منازعات درونی رژیم، برای تثبیت موقعیت شان، می خواستند "خودی ترها" را از "خودی ها" تفکیک کنند. حقیقت این است که امروز هم اگر نظارت استصوابی برداشته شود، غیر "خودی ها" نه می توانند به نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری برسند، و نه حتی اگر برسند، می توانند دستگاه ولایت را به خطر بیندازند. بر خلاف تصور آن هایی که به اصلاحات قانونی در جمهوری اسلامی امید بسته اند، طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، ولی فقیه به راستی اختیارات نیمه خدایی دارد و مردم محکوم اند از او اطاعت کنند و حق ندارند دستگاه ولایت را برچینند. و حتی اگر همه نهادهای انتخابی به دست افراد مخالف دستگاه ولایت بیفتند، می تواند تلاش های همه شان را خنثی کند. پس باید دید مدافعان دستگاه ولایت نگران چه هستند؟

آن ها می دانند که با حذف نظارت استصوابی، اولاً نهادهای انتخابی، و نقداً مجلس شورای اسلامی، به دست جناح اصلاح طلب

می افتد و در نتیجه، کنترل آن ها دشوارتر می گردد؛ و ثانیاً، در نتیجه تضعیف وحدت اراده درونی رژیم، امکانات آن برای مقابله با مردم و سرکوب آن ها، کاهش می یابد. بنابراین، نگرانی آن ها از چند شوهره شدن زنان نیست. بلکه از خود امت اسلامی یعنی همین مردم ایران است که اکثریت شان هنوز هم اعتقادات دینی دارند، اما دیگر حاضر نیستند به ولایت فقیه و مصیبت های دولت مذهبی تن بدهند. تردیدی نیست که مردم، حتی با حذف کامل نظارت استصوابی نیز نخواهند توانست رأی شان را به طور قانونی به ولی فقیه بقبولانند؛ اما درست به همین دلیل، ناگزیر خواهند شد به طور کاملاً "غیرقانونی" با ولایت فقیه و قوانین آن در بیفتند. و نگرانی مدافعان دستگاه ولایت از این جاست. آن ها فکر می کنند با حفظ نظارت استصوابی می توانند روز محشر را به عقب بیندازند. اما اشتباه می کنند. ابداع نظارت استصوابی خود نشان بحرانی شدن ولایت فقیه بود و شورش کنونی علیه نظارت استصوابی، نشان عمیق تر شدن بحران ولایت فقیه است. ابداع نظارت استصوابی به معنای اعتراف دستگاه ولایت به منزوی شدن خود بود و امروز همه می دانیم که ولایت فقیه دیگر فقط منزوی نیست، بلکه با شورش عمومی روبروست. در مقابله با این شورش عمومی، دستگاه ولایت جز انکار هرچه صریح تر حق انتخاب مردم، و به ناگزیر، جز برهنه کردن شمشر سرکوب در برابر مردم راهی ندارد.

نظارت استصوابی یکی از گویاترین نشانه های رسوایی جمهوری اسلامی است. بنابراین بحث درباره آن هرچه وسیع تر و توده ای تر گردد، چهره کریه نظام ولایت فقیه را عریان تر خواهد ساخت. این بحث را باید دامن زد.

دنباله از صفحه ۱ قطع نامه

اما مایلم دوستانه بگویم که چند متنی که به تازه گی با امضای هیئت دبیران موقت انتشار یافته با نهایت تأسف برخوردار از آن دقت و سنجیده نگری پیشین نبوده و از گوهره پیش نویس منشور فاصله گرفته است. در نتیجه، این نگرانی در ما پدید آمده است که مبادا آزادی اندیشه و استقلال از هرگونه جهان نگری و نظام اعتقادی و استقلال از قدرت سیاسی در حرکت های اخیر کانون کنار گذاشته شده باشد و راه روشن و غرور آفرین دفاع از آزادی اندیشه، بیان و قلم بی حصر و استثناء برای همگان به بیراهه و سنگلاخ مصلحت جوئی و توسل به تقیه که خود نوعی سانسور است، بیانجامد.

تاریخ سی ساله کانون نشان داده

در کارگاه

پاپوش دوزی کیهان

روزنامه کیهان چاپ تهران، در اخبار ویژه (۹ خرداد)، در مطلبی تحت عنوان «به نام آزادی براندازی کنیم»، به پیام ما از تظاهرات دانشجویان در تهران اشاره کرده می نویسد: «سازمان کارگران انقلابی در فاکس حمایتی که ارسال داشته، خواستار آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی شده است. در تجمع غیرقانونی گروهک طبرزدی، حاضرین که عمدتاً منسوب به گروهک های نهضت آزادی و جبهه ملی بودند، به حمایت از امیرانتظام و محسن کدیور شعار دادند.»

کیهان در ادامه می نویسد که سازمان کارگران انقلابی «تأکید کرده است که حرکت های مشابه، ماهیت "برانداز" دارد و در عین حال باید تحت لوای جنبش دوم خرداد، بحران آفرینی را متوجه قلب نظام اسلامی یعنی ولایت فقیه کرد.»

است که نمی توان مبارزه با سانسور را از مبارزه برای آزادی اندیشه جدا کرد. هیچ مصلحتی نادیده گرفتن این اصل بدیهی را توجیه نمی کند و نمی توان در راه رسمیت یافتن کانون آن را قربانی کرد. کانون نویسندگان ایران، مأمّن همه نویسندگانی بوده است که جدا از اعتقادات و جهان نگری های گوناگون، به پیکار برای آزادی اندیشه و بیان و نشر برخاسته اند.

دوستان گرامی

انتظار ما آن بوده و هست که واقع بینی ها و دورنگری های بر حق شما در این سال های دشوار، دستاوردی جز وفاداری به اصول نداشته باشد و از روش های مصلحت گرایی به دور بماند و چنین باد.

۶ ژوئن ۱۹۹۹ مایز-آلمان

کیهان، روزنامه ای نیست که این «خبر ویژه» را محض نشر خیر درج کرده باشد؛ بلکه یکی از کارگاه های پاپوش دوزی جناح فاشیست رژیم اسلامی است، و می خواهد بگوید که چون سازمان کارگران انقلابی ایران، سازمان براندازی است، حمایت او از آزادی امیرانتظام و کدیور و همبستگی اش با جنبش دانشجویی، دلیل "برانداز" بودن اینان نیز هست و آن جریانات "برانداز" که "رهبر معظم انقلاب" از آنان یاد کرد، همین جریانات و "حرکت های مشابه" هستند، و شهادش تأکید راه کارگر است که باید قلب نظام اسلامی را نشانه گرفت و برای آزادی باید رژیم اسلامی را برانداخت!

فرض کنیم که سازمان ما گفته باشد که این حرکات، ماهیت برانداز دارند، از کی تا حالا، حرف یک سازمان برانداز، برای کیهان جهت شده است تا با استناد به آن، برانداز بودن دیگران را اثبات کند؟!

نگذاریم پرونده ی تروریسم دولتی مشمول مرور زمان شود!

دنباله از صفحه ۳ هراس از چیست؟
 خلع سلاح این جناح در مبارزه برای پیروزی در انتخابات مجلس ششم و در رقابت‌های حیاتی مشابه میان دو جناح، دلیل و انگیزه مهمی در این شیخون‌های مداوم جناح خامنه‌ای به مطبوعات نافرمان‌اند؛ امام‌کرم دهن‌بند زدن به مطبوعات، سانسور، و به قول خامنه‌ای، ممیزی مطبوعات با «دوم خرداد» و با اختلافات جناح‌ها شروع شده است؟ این اختناق، هم‌زاد رژیم اسلامی است. درست بلافاصله پس از به قدرت رسیدن، خمینی که به خاطر موازنه قوای انقلابی در جامعه هنوز توان آن را نداشت که یک ضرب و با یک فرمان، زبان مطبوعات رسته از اختناق ساواک را ببرد، قدم به قدم و به تناسب سازمان‌دهی قوای سرکوب خود، این کار را به انجام رساند؛ از اعلام این که «من آینده‌گان نمی‌خوانم» تا ابراز ندامت از آن که «زودتر قلم‌ها را نشکستیم»، زمان زیادی سپری نشد. از آن زمان تاکنون، سال‌های پرشماری - سال‌های خون و ظلمت - در خفقان مطلق و در سکوت مرگبار گذشته است.

آن چه امروزه تازگی دارد و با اختلافات جناح‌ها قابل توضیح است، این است که زبان بریدن‌ها و قلم شکستن‌ها، آن همه جلو رفته است که دامن طرفداران امتحان پس داده و مؤمن حکومت اسلامی را هم گرفته است، دامن وزیر اسبق ارشاد اسلامی (رئیس جمهور فعلی)، و وزیر ارشادکونونی‌اش را، که غم‌شان، غم نجات حکومت اسلامی از خطر زوال است. این شکستن قلم دل‌سوزترین خودی‌ها نشان می‌دهد که نظام مطلقه فقیه از آزادی بحث بر سر راه‌های نجات نظام ولایت فقیه و اعتبار و قدرت بخشیدن به قانون اساسی آن هم می‌توسد!

اما زمینه و اساس همه این زبان بریدن‌ها و قلم شکستن‌ها (صرف نظر از وجود یا عدم وجود جناح‌ها و اختلافات میان آن‌ها)، یک وحشت مرکب یا مضاعف است: وحشت مذهب، و وحشت استبداد-هردو- از آگاهی، از

اطلاع، و از تفکر.

مذهب، بر ایمان می‌تواند استوار بماند و نه بر عقل، تفکر و تعقل، چون و چرا می‌آورد، شک می‌آفریند و پایه‌های مذهب را می‌لرزاند. دستگاه‌های مذهبی می‌کوشند تا جائی که زورشان می‌رسد، از آگاهی مردم جلوگیری کنند تا عبودیت بنده‌گان به خدا و قدرت و امتیازات خودشان به عنوان نماینده‌گان او بر روی زمین دچار مخاطره نشود.

استبداد سیاسی نیز بر اطاعت می‌تواند استوار بماند، و نه بر انتقاد. استبداد می‌کوشد راه‌های اطلاع را بر مردم ببندد، از آن چه در پیرامون‌شان و در دنیا می‌گذرد بی‌خبرشان نگاه دارد. اطلاع و دسترسی به اخبار، مردم را به حقوق‌شان واقف می‌کند؛ بر مقدر و ابدی نبودن ستم‌هایی که بر آنان می‌رود واقف‌شان می‌کند؛ و آنان را به تفکر در باره به کف آوردن حقوق‌شان وامی‌دارد؛ و همه این‌ها پایه‌های استبداد را می‌لرزاند.

رژیم جمهوری اسلامی، هم مذهب است، هم استبداد؛ مذهب است در مقام حکومت؛ استبدادی است مذهبی. این حکومت، دوبار دشمن حق است، و دوبار دشمن آزادی است: یک‌بار به نام مذهب، یک‌بار به نام استبداد.

استبداد مطلقه فقیه اگر می‌کوشد مطبوعات نافرمان را خفه کند، فقط برای چیره‌گی بر جناح رقیب در مجلس ششم یا خلاصی از مزاحمت جناح خاتمی نیست، برای عقب راندن مردم از «دوم خرداد»، به وضیعت سیاه «سی خرداد» ۶۰ است؛ برای زنده به گور کردن مردم ایران در خون و خفقان است. هراس استبداد مذهبی، از آگاهی مردم است، چراکه آگاهی، سلاح شکست‌ناپذیر مردم است. آگاهی مردم، مرگ حکومت مذهبی است. این را خامنه‌ای می‌داند.

برای دفاع از سلاح آگاهی مردم، باید از مطبوعات مستقل، از آزادی مطلق خبری، از آزادی کامل خبرنگاران، و حق بی‌قید و شرط همگان برای دسترسی آزادانه به هر نوع اطلاعات و اخبار، دفاع کرد!

دنباله از صفحه ۱ معجزه دویینگ...

معنای عملی آن چیزی جز واگذاری مجلس آینده به حریف نخواهد بود. از این‌رو با براندازی اعلام کردن تلاش‌هایی که در جهت تضعیف نظارت استصوابی صورت می‌گیرد، تنها راه چاره را رساندن این پیام بگوش مجلسیان دانست که بدانند که رأی دادن به لایحه پیشنهادی وزارت کشور یعنی رودرویی مستقیم مجلس با شخص ولی فقیه. و برای آن‌که جدی بودن این تهدید را به حریف خاطر نشان ساخته باشد، حتی به احضار و دستگیری یکی از نمایندگان مجلس، و شماری از مهره‌های جناح رقیب و مدیران مطبوعات مخالف خود همت گذاشت. به تصویب رساندن دادگاه ویژه روحانیت بعنوان چیزی از زیر مجموعه دستگاه دادگستری به قصد وجهه قانونی بخشیدن به آن و برآتر کردن تیغ آن برای شکار بیشتر روحانیون مزاحم، در دستور قراردادن تصویب طرح جدید مطبوعات بقصد خفه کردن کامل مطبوعات مخالف با توسل به چماق قانون، و گرفتن لیبیک بیعت مجدد از نماینده‌گان را می‌توان از نتایج دویینگ سیاسی فوق بشمار آورد. اکنون برای تکمیل سیاه پیروزی‌های فوق، فشار اصلی بر پس گرفتن لایحه ارائه شده به مجلس توسط وزارت کشور متمرکز شده است. چرا که تصویب آن گرچه در جو بوجود آمده دیگر بعید بنظر می‌رسد، اما رد آن نیز نه فقط جناح مخالف و دولت خاتمی را عملاً رو در روی رهبری قرار می‌دهد بلکه مهمتر از آن به برانگیختگی پائینی‌ها و تشدید انزجار و اعتراض عمومی از جناح حاکم را دامن می‌زند. با این وجود نشانه‌ها حکایت از زوال معجزه دویینگ در فاصله کمتر از دو هفته دارد؛ در واقع آتش چنان شور بود که حتی کسانی چون ناطق نوری، و یا نماینده رهبری در دانشگاه‌ها، فهمیدند و لب به سخن گشوده و اولتیماتوم رهبری را به معنای پایان بحث و جدال حول لایحه نظارت استصوابی و به معنای حمایت یک‌جانبه از عمل‌کرد شورای نگهبان ندانستند. ناطق نوری حتی پا را فراتر گذاشت و از امکان تغییر نام

خیابان خالداستامبولی سخن گفت. تا جایی که روزنامه جمهوری اسلامی با اختطار باو، سخنان وی را لیبرال‌منشانه و جدا شدن از مردم نامید. خاتمی برای مقاومت در برابر این یورش راهی سفر به قم جهت جلب حمایت روحانیون حوزه از اصلاحات دولت خود گردید. اما با این وجود، چالش اصلی را نه در اقدامات خنثی‌کننده و ولرم جناح رقیب، بلکه در جای دیگری باید جستجو کرد.

چالش اصلی را باید در اوج‌گیری حرکات اعتراضی در میان دانشجویان، جوانان، در تظاهراتی که در پی سخنرانی خاتمی در قم انجام گرفت، و در تظاهرات مردم یزد پس از سخنرانی نوه خمینی جستجو کرد. شعارهای انبوه اعتراض‌کننده‌گان در دور اخیر بیش از پیش بر شعارهای سه‌گانه آزادی زندانیان سیاسی، مرگ بر استبداد، و درود بر مصدق متمرکز گردید که هر سه بیان‌گر فراتر رفتن جنبش اعتراضی از محدوده‌های نظام حاکم را به نمایش می‌گذارند.

پدیده فوق ولوله‌ای در اردوی بالائی‌ها انداخته است که پیام اصلی نهفته در این ولوله‌ها اینست که اگر دو جناح حکومت با هم تحت عنوان «خانواده انقلاب» کنار نیایند، غیرخودی‌ها و بیگانگان وارد صحنه شده و همه چیز بر باد خواهد رفت. پیام اصلی روحانیت به خاتمی، و پیام واقع‌بین‌های جناح حاکم به خامنه‌ای، و پیام خاتمی به جناح مقابل مبنی بر رعایت قواعد بازی در چهارچوب قانون اساسی، همگی بر ترس آن‌ها از خطر فوق دلالت می‌کنند.

اما در نظام جمهوری اسلامی، و در شرایطی که ماهیت براندازی جنبش مردمی حتی توسط خامنه‌ای مورد اعتراف قرار گرفته است، کنار آمدن دو جناح اصلاح‌طلب و تمامیت‌خواه، حول کدام پلاتفرم می‌تواند صورت پذیرد؟ بی‌گمان چنین همگرایی حول پلاتفرم اصلاح‌طلبان، ناممکن شده است. اما حول محور ولایت فقیه چطور؟ روند‌های آینده نشان خواهد داد که آیا جناح اصلاح‌طلب به چسبیدن

بقیه در صفحه ۴

همبستگی ایرانیان خارج از کشور با مبارزات دانشجویان آزادی خواه

تظاهرات حمایتی در گوتنبرگ

به دنبال فراخوان کمیته اقدام حمایت از دانشجویان و مبارزات مردم ایران-گوتنبرگ" (سوئد)، اکسیون حمایتی از اعتراضات دانشجویان و محکوم کردن دستگیری های آنها، تهاجم به اجتماعات و حرکات قانونی آن ها را در ایران، ظهر روز شنبه ۵ یونی، ساعت ۱۲ در محل برنس پارکن شهر گوتنبرگ با شرکت ایرانیان آزادی خواه و فعالین گروه ها و سازمان ها و با حضور مسئولین رادیوها و ارگان های خبری فارسی زبان برگزار گردید.

اجتماع کنندگان شعارهای: زندانی سیاسی آزاد باید گردد، امیر انتظام زندانی آزاد باید گردد، اسامی قاتلین اعلام باید گردد، زنده باد آزادی، مرگ بر استبداد، سران جمهوری اسلامی در تریبونال بین المللی محاکمه باید گردند، را به زبان فارسی و سوئدی فریاد می کردند.

دنااله از صفحه ۳ معجزه دوپینگ

خودکشی دست خواهد زد؟

هم اکنون دغدغه ها و دلنگرانی های این جناح نیز سر باز کرده است. انصاری مسئول فراکسیون مجمع حزب اله در مجلس از روزنامه ها خواسته است بحث مصدق را جمع کنند. هشدار بهزاد نبوی نسبت به نیروهای دگراندیش که به فکر بهره برداری از اوضاع نباشند، مورد استقبال روزنامه رسالت قرار گرفته است. سخنان منتجب نیا از عناصر اصلی مجمع روحانیون مبارز به برخی از روزنامه ها مبنی بر این که کسانی که ملی گراها و گروه غیر قانونی نهضت آزادی را تبریئه و یا بزرگ می کنند در خط امام نیستند و ما مخالف آنیم، زیر فشار قرار گرفتن دفتر تحکیم وحدت بدلیل طرح برخی شعارها و داشتن ارتباط با برخی دگراندیشان، اظهارات دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مورد تقسیم جامعه به نیروهای خودی و غیرخودی که مورد اعتراض روزنامه «خرداد» مبنی بر فاصله گرفتن وی از شعار جنبش دوم خرداد «ایران برای تمام ایرانیان» قرار گرفت و بالاخره استقبال روزنامه

تظاهرات در مقابل دفتر سازمان عفو بین الملل (لندن)

به دعوت واحد لندن سازمان تظاهرات ایستاده ای در روز دوشنبه ۱۷ خرداد در مقابل دفتر سازمان عفو بین الملل (امنیتی اینترنشنال) برگزار شد. در فراخوان این حرکت اعتراضی از جمله آمده است: سکوت ما ایرانیان خارج از کشور جایز نیست. باید به دستگیری دانشجویان، به حملات چماقداران و مأموران امنیتی وانتظامی به صفوف گردهم آیی دانشجویان، بی توجهی به درخواست های به حق کارگران و به حملات گسترده علیه مطبوعات و... اعتراض کنیم و خواهان آزادی زندانیان سیاسی، آزادی اجتماعات و قطع حملات چماق داران به دانشگاه ها و... شویم.

تظاهرکنندگان در حرکت پلاکارد و پخش اعلامیه به زبان انگلیسی توجه عابریں را به جنایات رژیم اسلامی در گسترش اختناق و سرکوب در ایران جلب نمودند.

پس از پایان تظاهرات، نمایندگان این حرکت اعتراضی با دو تن از مسئولین سازمان عفو بین الملل ملاقات کرده و اسناد و اطلاعات جدیدی از اقدامات سرکوب گرایانه رژیم اسلامی در مقابله با حرکات مردمی به آنها ارائه دادند. نمایندگان سازمان بین الملل اعلام کردند که آنها هم اطلاعیه ای در رابطه با اقدامات رژیم ایران در مقابله با اعتراضات دانشجویی و نگرانی این سازمان را صادر نموده اند.

کیهان از موضع روزنامه سلام در دفاع از شعار ولایت فقیه بعنوان شعار اصلی اردوی بالائی ها، اظهار امیدواری نسبت به وقوع عنقریب حادثه مهم گردآمدن "خانواده انقلاب" حول شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه" و شادمانی از بسته شدن راه غیرخودی ها! جملگی گوشه هائی از ولوله فوق در اردوی بالائی ها در برابر به چالش طلبیده شدن نظام حاکم از سوی جنبش مردمی را نشان میدهند.

اقدامات ایرانیان مقیم استکهلم

پس از پخش مصاحبه رادیو همبستگی در روز ۲۹ ماه مه با بخشی از فعالین جنبش دانشجویی در ایران، ایرانیان مقیم استکهلم در حمایت از مبارزات جنبش دانشجویی در ایران و در محکومیت دستگیری فعالین جنبش دانشجویی، جنبش همبستگی با مبارزات دانشجویان در ایران را راه انداخته اند. در طی یک هفته گذشته اقدامات ذیل توسط کمیته سازمانده این جنبش انجام شده است: ۱- تهیه بیانیه ای با مضمون محکوم کردن دستگیری ها و خواست آزادی بی قید و شرط دانشجویان و دستگیر شده. همچنین حمایت از خواسته های برحق جنبش دانشجویی در ایران. این متن توسط ۵۷ تن پروفیسورها، اساتید و دانشجویان ایرانی و سوئدی دانشگاه های Stockholm_Uppsala امضاء شده است. این بیانیه خطاب به وزیر امور خارجه سوئد خانم Anna Lindh می باشد. این بیانیه همراه با امضاهای آن روز یکشنبه ۶ ژوئن در روزنامه DN (پرتیراژترین روزنامه سوئد) به چاپ رسید. ۲- تهیه و چاپ کارت پستال با دو شعار در جهت محکومیت دستگیری دانشجویان و حمایت از خواسته های آنان. این کارت پستال بین ایرانیان مقیم سوئد پخش می شود تا خود یا الصاق تمیر آن را به وزارت امورخارجه سوئد پست نمایند. ۳- دیدار اعضای کمیته سازمانده جنبش ایران با تنی چند از نمایندگان پارلمان سوئد و نمایندگان کمیته ایران در پارلمان سوئد جهت تشریح وضعیت جنبش دانشجویی در ایران و درخواست اقدامات جدی از سوی آنان برای تحت فشار قرار دادن دولت ایران به منظور آزادسازی دستگیر شدگان جنبش دانشجویی.

۴- تهیه پیام خطاب به دانشجویان و فعالین جنبش دانشجویی در ایران، این پیام قرار است در طول هفته آینده به محل های تجمع ایرانیان برده شود تا زیر آن را امضاء کنند.

کارگران و زحمتکشان

اعتراض کارگران خباز اصفهان به تغییر قانون کار

کارگران خبازی های اصفهان در روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه، به نشانه اعتراض به طرح پیشنهادی خروج کارگاه های کوچک از شمول قانون کار، در مقابل دفتر دکتر کامران نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و از او خواستند تا نسبت به نظر خود در این مورد تجدید نظر کند.

تعطیلی واحدهای صنعتی در کرمانشاه

از ۴۰۰ واحد صنعتی استان کرمانشاه ۲۰۰ واحد به دلیل مشکلات ناشی از بدهکاری به بانک ها کلاً تعطیل شده و بقیه واحدها تنها یک نوبت در شبانه روز کار می کنند. با ۸۰ هزار بیکار ثبت نام کرده، نرخ رشد بیکاری در استان کرمانشاه به ۲۴ درصد رسیده و تنها حدود ۱۲ هزار نفر از نیروی کار استان در واحدهای صنعتی به کار اشتغال دارند.

دست از کار کشیدن کارگران مجتمع فولاد مبارکه

در روز کارگر تعدادی از کارگران مجتمع فولاد مبارکه به دلیل اختلاف زیاد پاداش مدیران و کارگران و برخی ناراضیاتی ها از مسایل شغلی دست از کار کشیدند و از حضور در سالن غذاخوری خودداری کردند.

کارگران بی خانمان نفت گچساران از مشکلات خود می گویند

کارگران و کارکنان صنعت نفت منطقه گچساران، می گویند با گذشت چند سال از مشغول کار شدن در صنعت نفت، تاکنون خانه سازمانی به ما واگذار نشده است. با وجود این که بسیاری از ما در نوبت واگذاری خانه سازمانی هستیم، تعدادی از خانه های سازمانی شرکت نفت در اختیار دیگر ادارات و نهادهای خارج از شرکت نفت قرار گرفته است. بیش از ۶۰ نفر از جانبازان صنعت نفت با ارسال نامه ای به مقامات ذیربط در تهران خواستار تخلیه خانه های سازمانی شرکت نفت و واگذاری آن ها به افراد واجد شرایط شدند.